پنج‌قاره

تیراندازی مرگ‌بار در کلینیک آمریکایی

● پلیس آمریکا اعلام کرد در حادثه تیراندازی در یک کلینیک سقط جنین در شهر کلورادو اسپرینگز، سه نفر ازجمله یک مأمور پلیس کشته شدند. همچنین چند نفر دیگر هم در این حادثه زخمی شدند. یک مظنون مرد اکنون تحت بازداشت قرار گرفته است. شماری از مردم در جریان درگیری داخل کلینیک گرفتار شده بودند. مقام‌های محلی می‌گویند انگیزه این حمله معلوم نیست. آنها پیش‌تر گفتند ۱۱ نفر از جمله پنج مأمور پلیس زخمی شده‌اند. پلیس آمریکا پیش‌تر نگران بود که مهاجم عده‌ای را گروگان گرفته باشد اما با دستگیری او ظاهرا ماجرا بدون گروگان‌گیری پایان یافت. گروه کمک به تنظیم خانواده در بیانیه‌ای گفت: هنوز معلوم نیست کلینیک هدف حمله بوده یا نه. موضوع سقط جنین همواره در آمریکا جنجال‌آفرین بوده است که گاه به خشونت کشیده می‌شود. در این مورد نیز ممکن است مرد یکی از مخالفان افراطی سقط جنین باشد اما مقامات رسمی ترجیح دادند از اظهار نظر تا پایان تحقیقات خودداری کنند.

قاتل زنجیره‌ای کودکان، یک زن بود

● زنی که به دلیل اختلالات روانی پس ازدست‌دادن فرزندش، هشت کودک را کشت، دستگیر شد. ماریا زن ۴۵ساله‌ای است که هشت کودک خردسال را با طناب خفه و اجساد آنها را در خانه‌اش که در شمال شرقی باواریا در آلمان است، پنهان کرد. ماریا اجساد آنها را به مدت دو روز در وان پر از یخ قرار می‌داد. بر اساس گزارش پلیس؛ ماریا دختر خردسالش را به علت بیماری سرطان از دست داد و بعد از مرگ او دچار اختلالات روانی شد. حادثه رخ‌داده در پی مشکلات روحی‌ای است که پس از مرگ دخترش برای او پیش آمد. ماریا کودکان را در حوله و کیسه‌های پلاستیکی پیچیده و آنها را غرق در یخ کرده بود. پلیس محلی باواریا در ادامه افزود: ماریا قبلا به اتهام ضرب‌وشتم و شکنجه کودکان خردسال، دو سال را در زندان سپری کرده بود اما پس از آزادشدن، جنایت‌هایش را از سر گرفت. پلیس در پایان خاطرنشان کرد: ماریا به اتهام قتل زنجیره‌ای کودکان دستگیر و بازداشت شد و پس از جمع‌آوری اسناد و مدارک بیشتر از جنایت‌هایش، پرونده وی به دادگاه قضائی ارجاع داده خواهد شد.

پیامک باعث همسرکشی شد

شرق: حسادت به رقیب انگیزه‌ای بود که مرد جوان وقتی در جایگاه متهم قرار گرفت، برای قتل همسرش بیان و اعلام کرد از کرده خودش پشیمان است.

به گزارش خبرنگار ما، کارگران کارگاهی در منطقه گلستان، دی سال ۹۳ به مأموران خبر دادند آتش‌سوزی گسترده‌ای در آن اطراف، اتفاق افتاده است. امدادگران بعد از مهار آتش‌سوزی جسد زنی را در میان اجسام سوخته پیدا کردند و به پلیس خبر دادند. با انتقال جسد به پزشکی قانونی مشخص شد این جسد متعلق به زنی جوان به نام زهره است که هرچند جسم او به‌طورکامل سوخته اما علت مرگش آتش‌سوزی نبوده و او قبل از این خفه شده بود. با مشخص‌شدن این موضوع، پلیس خانواده زهره را مورد بازجویی قرار داد. آنها ضمن شکایت از عامل قتل فرزندشان اعلام کردند احتمالا آرشیا دامادشان عامل این قتل است چراکه او بعد از مرگ فرزندشان ناپدید شده است. درحالی‌که پلیس به دنبال این متهم بود، متوجه شد او بدون اینکه به کسی اطلاع دهد خانه‌اش را ترک کرده و کسی از محل اختفای وی خبر ندارد تا اینکه سه ماه بعد، مرد جوان خودش را تسلیم پلیس و به قتل همسرش اعتراف کرد. او گفت: من زهره را خیلی دوست داشتم و نمی‌خواستم او را از دست بدهم به همین خاطر هم وقتی با من دعوا می‌کرد سکوت می‌کردم و چیزی نمی‌گفتم. فقط می‌خواستم عصبانیتش از بین برود و مبادا من را ترک کند اما وقتی شنیدم رقیبی که قبل از ازدواج ما عاشق همسرم بود، دوباره به او نزدیک شده آن‌قدر عصبانی شدم که نتوانستم خودم را کنترل کنم. با زنم دعوا کردم و بعد از درگیری کنترل خودم را از دست دادم و او را خفه کردم. وقتی زهره فوت شد کاری از دستم بر نمی‌آمد. برای اینکه جسد را از بین ببرم، آن را به مکانی خلوت بردم و با مقدار زیادی بنزین سوزاندم تا آثار جرم از بین برود.

با شکایت اولیای‌دم و اعترافات متهم و تکمیل تحقیقات، کیفرخواست صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه دوم دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. روز گذشته در جلسه رسیدگی، ابتدا نماینده دادستان تهران درخواست صدور مجازات برای متهم کرد و سپس اولیای دم در جایگاه قرار گرفتند و خواستار مجازات آرشیا شدند. آنها اعلام کردند تفاضل دیه را پرداخت می‌کنند اما حاضر به گذشت نیستند؛ چون فرزندشان بی‌گناه بود.

وقتی نوبت به متهم رسید، او در جایگاه حاضر شد اتهامش را قبول کرد و گفت: هرچند همسرش را کشته اما او را دوست داشت. متهم گفت: من و زهره ۱۵ ماه بود که با هم ازدواج کرده بودیم در این مدت مشکلات زیادی داشتیم؛ هر مسئله کوچکی که اتفاق می‌افتاد زهره چنان عصبانی می‌شد و دادوفریاد می‌کرد که همسایه‌ها هم باخبر می‌شدند. آبروی من پیش همه رفته بود. با این همه چون دوستش داشتم تحمل می‌کردم. چند ماه بود که تصمیم گرفته بودم در برابر رفتارهایش سکوت کنم و چیزی نگویم فکر می‌کردم این‌طوری بهتر است. چون همسرم فریاد می‌زند و آرام می‌شود و دیگر دعوا تمام می‌شود، روز حادثه هم ما سوار ماشین بودیم و داشتیم می‌رفتیم که یک پیامک برای همسرم آمد؛ از طرف دوستش بود متن پیام مهم نبود و من نسبت به آن واکنشی نداشتم چیزی که ناراحتم کرد شخصی بود که پیام داده بود. دوست زهره قبل از ازدواج او با من، به زهره پیشنهاد داده بود که با برادرش ازدواج کند حتی گفته بود شما با هم خیلی خوشبخت می‌شوید من نسبت به این آدم حساسیت داشتم و بدم می‌آمد که زنم با او ارتباط داشته باشد چون او هر کاری می‌کرد که زهره را از من بگیرد، به زهره گفته بود اگر با برادر من ازدواج کنی، تو را به آمریکا می‌برد و با هم خوشبخت می‌شوید و وضع زندگی‌ات عوض می‌شود من و زهره به خاطر اختلافاتی که داشتیم، خیلی زندگی باثباتی نداشتیم و من همیشه می‌ترسیدم زنم من را ترک کند. آن روز هم وقتی فهمیدم کسی که پیامک داده همان دختری است که می‌خواهد زنم را از من بگیرد تا با برادرش ازدواج کند، عصبی شدم و به زهره گفتم اصلا تو چرا با این آدم ارتباط داری. زهره حرفم را قبول نکرد و او هم سر من داد زد دعوای ما بالا گرفت آن‌قدر عصبانی بودم که نتوانستم خودم را کنترل کنم. با خشمی که داشتم به سمتش رفتم و او را خفه کردم.

متهم گفت: بعد از مرگ زهره چون نمی‌دانستم باید چه کنم و چه سرنوشتی خواهم داشت، جسد را به مکانی خلوت بردم و آتش زدم اما کمی که گذشت عذاب وجدان رهایم نکرد با اینکه در شهرهای شمالی کشور مخفی شده بودم و پلیس هم من را پیدا نکرده بود، خودم را تسلیم کردم حالا هم اگر خانواده زهره فکر می‌کنند با قصاص من حالشان بهتر می‌شود قبول می‌کنم اما آنها بدانند که من زنم را دوست داشتم.

بنا به این گزارش در پایان، هیأت قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

قتل زن جوان به دست شوهر شیشه‌ای

مرد شیشه‌ای که در اقدامی وحشتناک همسر ۲۴ساله‌اش را به قتل رسانده بود، ساعاتی بعد از وقوع جنایت خود را به مأموران پلیس معرفی کرد.

ساعت ۹:۴۵ صبح پنجشنبه هفته گذشته، اعضای خانواده‌ای هراسان در تماس با پلیس ۱۱۰، از قتل زن جوانی به دست شوهرش خبر دادند.

با اعلام این خبر، بلافاصله گروهی از مأموران کلانتری رازی در محل حادثه حاضر شدند. با حضور مأموران در محل حادثه مشخص شد زن جوان ۲۴ساله با استفاده از جسم برنده به قتل رسیده و قاتل که همسر اوست از محل حادثه متواری شده است.

با اعلام خبر قتل زن جوان به بازپرس، تحقیقات درباره علت قتل در دستور کار قرار گرفت. باجناق قاتل که در صحنه جرم حضور داشت، به مأموران گفت: شب گذشته دور هم جمع شده بودیم تا شام بخوریم اما باجناقم که مردی ۳۲ساله و همیشه در حال کشیدن شیشه است، سر سفره شام حاضر نشد و رفت تا قبل از شام شیشه بکشد. همین موضوع باعث شد خواهرزنم، به سراغش برود. زن و شوهر با هم بحث کردند و دعوا راه افتاد. بعد از صرف شام قرار شد در منزل آنها بمانیم. صبح فردا من طبق معمول ساعت هشت سر کار رفتم، من و باجناقم با هم همکار هستیم، اما او گفت خسته است و یک ساعت بعد از من سر کار می‌آید، به این صورت من سر کار رفتم و دیگر بقیه ماجرا را نمی‌دانم. این مرد در ادامه گفت: زمانی که همسرم با من تماس گرفت و داستان کشته‌شدن خواهرش را گفت، فکر کردم دوباره دعوای زن و شوهری است و او دروغ می‌گوید. من هم مجبور شدم سریع خودم را به خانه برسانم. وقتی رسیدم که دیگر دیر شده بود و باجناقم در گوشه‌ای از حیاط داشت شیشه می‌کشید، می‌خواستیم جلوی او را بگیریم که فرار نکند اما او چاقو داشت و همین باعث شد ما بگذاریم او برود، وقتی که داشت می‌رفت، گفت به خانه می‌روم و از همسر من هم خواست که با او به خانه‌اش برود. پس از شنیدن اظهارات شوهرخواهر مقتول، بازپرس کشیک بلافاصله دستور داد مأموران نیروی انتظامی با همراهی باجناق قاتل، به خانه مقتول بروند و او را دستگیر کنند. با رسیدن مأموران به محلی که گمان می‌دادند قاتل در آنجا پنهان شده است، متوجه شدند قاتل بعد از برداشتن مقداری پول، از محل متواری شده است. درحالی‌که تحقیقات برای شناسایی و دستگیری قاتل فراری ادامه داشت، مأموران در تماس با بازپرس اعلام کردند قاتل فراری با مراجعه به کلانتری به قتل همسر جوانش اعتراف کرده است. به دستور بازپرس کشیک قتل پایتخت، متهم برای بازجویی‌های تکمیلی در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت و اکنون تحقیقات دراین‌باره ادامه دارد.

رخداد

انهدام باند فاشیست‌ها

● پلیس امنیت عمومی تهران موفق شد باند مخوف فاشیست‌ها را منهدم کند. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، در اجرای دستور بازپرس دادسرای ناحیه ۳۳ شهید مقدس مبنی بر جلب و دستگیری یکی از اراذل‌واوباش سطح یک شهر تهران به هویت «بهنام»، ۴۰ساله، به اتهام زورگیری، آزار و اذیت و تجاوز به عنف، حمل و نگهداری سلاح گرم و ضرب و جرح با استفاده از قمه و شمشیر که موجبات اخلال در نظم و امنیت و آسایش شهروندان را فراهم کرده بود، کارآگاهان پلیس امنیت عمومی تهران بزرگ دست به کار شدند. کارآگاهان پس از انجام اقدامات اطلاعاتی و شناسایی محل اختفای متهم در محدوده فلکه اول صادقیه برای دستگیری متهم عازم محل شدند. متهم به محض رسیدن پلیس، از طریق بالکن اقدام به فرار کرد و مأموران به دنبال وی دویدند و با دادن دستور ایست قصد متوقف‌کردن متهم را داشتند که بی‌نتیجه بود.

در ادامه عوامل پلیس امنیت عمومی تهران بزرگ با شلیک تیر هوایی آخرین هشدار خود را به گوش این اوباش خطرناک رساندند، ولی او باز با بی‌توجهی به فرارش ادامه داد، تا اینکه مأموران بهنام را با دو تیر جنگی هدف گلوله قرار دادند. متهم شرور زمینگیر شد و مأموران سریعا عوامل اورژانس را به محل فراخواندند، ولی متهم که از ناحیه پا دچار جراحت شده بود، به دلیل شدت خونریزی در بیمارستان فوت کرد. سرهنگ علیرضا لطفی، رئیس پلیس اطلاعات و امنیت عمومی تهران بزرگ درباره این خبر گفت: متهم فوت‌شده سرکردگی باند «فاشیست‌ها» را برعهده داشت و پنج نفر از اعضای باندش نیز در مخفیگاهش دستگیر شدند.

وی خاطرنشان کرد: مأموران پلیس از مخفیگاه متهم مقادیری مواد روانگردان، ۹ قبضه قمه و نیمچه، چهار عدد پایپ آلوده به شیشه، یک دستگاه لپ‌تاپ مستعمل مشکوک به سرقتی، حدودا سه کیلو پودر سفیدرنگ مشکوک به پیش‌ساز شیشه؛ چهار دستگاه گوشی تلفن همراه مستعمل و تعداد دو دستگاه خودرو ماکسیمای سفیدرنگ؛ یک خودرو پژو ۴۰۵؛ یک دستگاه خودرو کیا سراتو و یک دستگاه موتورسیکلت آپاچی کشف و ضبط کردند.

چگونه با دو نمره تجدید و معدل ۱۲/۲۴ پزشکی قبول شدم

استاد حسین احمدی

اولین و تنها مشاور و برنامه ریز کنکور از ایران/ دارای مقالات برگزیده در کنفرانس‌های بین‌المللی آموزشی جهان: والنسیای اسپانیا inted۲۰۰۹ / رم ایتالیا، بانکوک تایلند و... / رتبه‌ی برتر مهندسی از دانشگاه تهران / تقدیر شده در بیش از ۲۰ منطقه آموزش پرورش سراسر کشور و دانشگاه / رتبه ۱ کارشناسی ارشد مترجمی عربی دانشگاه سراسری تهران / مؤلف جزوات، کتاب‌ها و لوح‌های فشرده آموزشی و برنامه‌ریزی رتبه‌های برتر کنکور از سال ۱۳۷۳ تا به امروز / بنیانگذار برنامه‌های رادیو و تلویزیونی **«کنکور آسان است»** و **«درس خواندن آسان است»** و **«طعم مطالعه» و مدیر مسئول گیلنا و رمز زندگی**

از شهری دور

من اگر تقدیر شده‌ام، دوباره تغییر می‌کنم؛ تغییری از جنس رویا. آری من خواستم که رویاهام به حقیقت بپیوندند و این اتفاق افتاد. استاد احمدی عزیز زندگی دوباره به من بخشید. آن ناجی که هرگز گرمی نفس‌های‌شان را که از جنس امید بود رو فراموش نخواهم کرد. می‌خواهم اینجا حرف دلم را بزنم. شاید تجربه‌های من شما را در پیدا کردن مسیر زندگی‌تان کمک کند.

من هژیر امیری، پسری از شهری دور از تهران، از شهر بوکان؛ شهری که نه خبر از کلاس‌های خصوصی است نه خبر از همایشه‌های آن‌چنانی، می‌خواستم شروع کنم به درس خواندن برای کنکور اما چطور، من که به علت یک‌سری مشکلات نمی‌توانستم معلم خصوصی بگیرم، من مانده بودم و هجمه‌ای از فشارهای روحی، من و فکرهای شبانه‌ام، راستش را بگویم میان دنیایی از اطلاعات نه چندان صحیح که از اطراف می‌گرفتم گیر کرده بودم. تمام فکر و ذهنم روش موفقیت بود. دلم آشوبی داشت که ویرانم می‌کرد. با یک ذهن فرسوده و دلی پر از ترس، مثل همه‌ی بچه‌ها شروع کردم به مطالعه خودم را متقاعد کردم که کتاب‌ها را بخرم و شروع کنم به خواندن. همین کار را هم کردم. تا چشم باز کردم دیدم کلی منبع و یک زمان محدود و از همه مهم‌تر یک ندای قوی درونی که می‌گفت آخه تو با معدل ۱۲/۲۴ چرا فکر می‌کنی می‌توانی پزشکی قوبل شوی. از یک طرف تمام آرزوهای زندگیم بسته به پزشکی خواندنم بود و از یک طرف معدل بسیار کم ۱۲/۲۴ و ۲ تا تجدید مثل یک انگ روی پیشانی‌ام بود. سراغ هر مشاوری که فکرشو بکنید رفتم اما تا معدلم را می‌دیدند جلسه‌ی مشاوره با یک خنده‌ی تمسخرگونه تمام می‌شد یا گاها سعی می‌کردند به کمتر من رو قانع کنند و از این جملات که تقدیر هر کسی یه جوره و... استفاده می‌کردند. گاها از این همه فشار گریه‌ام می‌گرفت.

قرعه به نام تو می‌شود

از ترسیم آن لحظات شوم نمی‌دانم چه بگویم، اما استاد راست می‌گفت گاهی طلب نکرده قرعه به نام تو می‌شود، یه جمعه پس از آزمون، توی یک کیوسک مطبوعاتی یه تیتر کنکوری مرا وادار به ایستادن کرد:DVDهای تکنیک قرابت معنایی استاد حسین احمدی. این تیتر ساعت ۸ صبح همون روز را یادم آورد که داشتم شانسی و بدون منطق تست قرابت معنایی می‌زدم. پیش خودم گفتم آخه قرابت که آموزش داده نمی‌شود. اما ته دلم شاد بودم. مجله را گرفتم و به خانه رفتم. بارها بین خواندن مجله و حل سوالات آزمون شک کردم اما خدای بزرگ کمک کرد و مجله را برداشتم و شروع کردم به خواندن عربی ۱۰۰٪ در ۵ جلسه – قرابت معنایی – زیست ترکیبی، تکنیک‌های فیزیکی و ... برایم رویا بودند. با دنیایی از دلهره زنگ زدم، یک صدای گرم پشت تلفن گفت بگو عزیزم من خود استاد احمدی هستم، ماجرای درس خواندنم را گفتم، می‌ترسیدم که معدلم را بگویم و مثل بقیه دوباره بگویند که... اما معدلم را گفتم و استاد گفت، معدلت پایین است اما باز هم می‌توانی. می‌توانی می‌توانی توی گوشم ترکرا می‌شد. گفتم مطمئنید و استاد دهها نمونه معرفی کردند که شرایط من را داشتند و قبول شدند. استاد احمدی شماره تماس دکتر دادگستری را دادند و به من گفت اگر در رشته‌ی تجربی بخواهیم اولین و قوی‌ترین مشاور را انتخاب کنیم به جز دکتر دادگستری کسی وجود ندارد. پس از آن من هر هفته یک بار مشاوره با دکتر دادگستری داشتم و تمام روش‌های لازم تکینکی و مروری را از استاد دادگستری بسیار صبورانه گرفتم.

از همان روز اول دکتر دادگستری با بقیه فرق داشت و هر روز که می‌گذشت این تفاوت مشخص‌تر می‌شد. ابتدا دکتر دادگستری به من آموخت که انرژی‌های درونم را در راه هدفم خرج کنم نه استرس و نگرانی. CDها و جزوات لازم را تهیه کردم و با برنامه‌ی مطالعاتی بی‌نظیر دکتر دادگستری شروع کردم آن هم با دلی آرام و شاد که حاصل هنر دکتر دادگستری در برنامه بود تغییرات را خیلی زودتر از آن چیزی که انتظار داشتم دیدم.

ترازهای آزمون‌هایم در ۳ هفته ۱۱۴۶ عدد افزایش یافت، در طول سال ناامیدی‌ها را کنار گذاشتم و به کمک استاد احمدی و دکتر دادگستری به آرزوی خودم یعنی رشته‌ی مقدس پزشکی رسیدم. استاد عزیز هنوز حرف‌های بی‌نظیرت در گوشم زمزمه می‌شوند. یادم نمی‌رود می‌گفتند پشت دروازه، موفقیت‌ها انتظارت را می‌کشند. کافیست بلند شوی و باور کنی و بروی. آری استاد به من آموخت که اراده و ایمان، کاتالیزگری است که هر واکنشی را به فرآوردهی موفقیت می‌رساند.

استاد احمدی عزیز صادقانه می‌گویم بابت تمام تلاش‌هایت، تمام امید و نیروی مثبت بی‌نهایت متشکرم. باور کنید شما هم هیچ چیزی از رتبه‌های برتر کم ندارید. بگو چه ترسی از درونت کمین کرده که اینگونه در هراسی، برخیز و تردید نکن. نیروی درونت از تمام ترس‌هایت بزرگتر است. برخیز و با ایمان و باور برترین قله‌های افتخار را فتح کن. در آخر آن حلقه‌های اشک را که از سر شوق می‌ریزند. آن آغوش گرفتن‌های گرم خانواده را بعد از دیدن نتایج برای همه شما آرزومندم.

جهت مشاوره و برنامه‌ریزی رایگان تحصیلی با شماره تلفن: (۰۲۱) ۶۶۴۰۹۰۰۷ تماس بگیرید

ارتباط مستقیم با استادحسین احمدی و پیامک ۰۹۱۲ ۱۹۶ ۵۷ ۰۲ – ۰۹۱۲ ۱۰۰ ۹۶۵۶ – ۰۹۱۲ ۱۹۶ ۵۸ ۰۲

من یاد گرفتم خود مشاور شوم و این چیزی است که استاد حسین احمدی به شما می‌آموزد

مقاله‌ای از لیلا بیگ محمدی دانشجوی داروسازی شهید بهشتی کنکور ۹۳

استاد حسین احمدی

اولین و تنها مشاور و برنامه ریز کنکور از ایران/ دارای مقالات برگزیده در کنفرانس‌های بین‌المللی آموزش جهان: والنسیای اسپانیا inted۲۰۰۹ / رم ایتالیا، بانکوک تایلند و... / رتبه‌ی برتر مهندسی از دانشگاه تهران / تقدیر شده در بیش از ۲۰ منطقه آموزش پرورش سراسر کشور و دانشگاه / رتبه ۱ کارشناسی ارشد مترجمی عربی دانشگاه سراسری تهران / مؤلف جزوات، کتاب‌ها و لوح‌های فشرده آموزشی و برنامه‌ریزی رتبه‌های برتر کنکور از سال ۱۳۷۳ تا به امروز / بنیانگذار برنامه‌های رادیو و تلویزیون **«کنکور آسان است»** و **«درس خواندن آسان است»** و **«آموزش برتر»**

بنده لیلا بیگ‌محمدی از شهر ورامین هستم، من خیلی اتفاقی از طریق برادرم که برنامه‌های رادیویی استاد احمدی را گوش کرده بود با پکیج‌های آموزشی استاد حسین احمدی آشنا شدم.

همیشه فکر می‌کردم رسیدن به داروسازی دانشگاه شهید بهشتی خیلی سخته و شاید نشدنی. خیلی خوب درس می‌خواندم و تلاش می‌کردم، اما بیشتر مواقع نتیجه تلاشم رو نمی‌دیدم. همیشه به فکر قبولی در رشته‌های لیسانس شهرهای غیر از تهران بودم و اصلاً به فکر قبولی در دکترای دانشگاه‌های سراسری روزانه تهران نبودم. چون همیشه می‌گفتم؛ نمی‌شود یا نمی‌توانم.

از تابستان شروع به درس خواندن کرده بودم و تصمیم داشتم برای هدفی که دارم تلاش کنم. از تابستان، به خوبی استفاده کردم و موفق شدم بعضی از دروس عمومی و اختصاصی پایه را تمام کنم. اما با این وجود احساس می‌کردم هنوز در درس‌ها اشکالاتم بر طرف نشده است و نیاز به منبعی دارم که بتوانم با آن مشکلات درسی و تست‌زنی خود را حل کنم، اما نمی دانستم که باید چکار کنم و از کدام کتاب‌ها و کلاس‌ها استفاده کنم.

اما روزی که دی‌وی‌دی‌ها و کتاب‌های استاد احمدی را تحویل گرفتم و با آن‌ها پیش رفتم، متحول شدم. منابع خوبی بودند و به کمک آن‌ها توانستم اشکالاتی را که در دروس داشتم، برطرف نمایم.

مشاوره‌هایی که استاد احمدی در دی‌وی‌دی‌ها ما بین تدریس اساتید انجام می‌داد، خیلی برایم جالب بود و باعث شد که هر روز تلاشم بیشتر شود، اما مهم‌تر از همه‌ی این‌ها، مشاوره و برنامه‌ریزی فوق‌العاده مشاورم، آقای سلام بود که مرا به این رتبه عالی رسانیده است.

مهندس سلام برایم تعریف کرد که خودش مسوول گارانتی لوح‌های فشرده‌ی استاد احمدی بوده است و با دیدن لوح‌های فشرده علاقمند شده کنکور بدهد و در انتخاب اول خود، مهندسی برق روزانه قبول شده است. ایشان طوری برایم برنامه‌ریزی کرده بودند که توانستم در طول سال، چندین بار همه کتاب‌هایم را بخوانم. البته ایشان، تمامی برنامه‌های خود مشاوره شدن را که خودش از استاد احمدی آموخته بود به من آموزش داد.

وقتی با آقای سلام تماس می‌گرفتم به من امیدواری می‌دادند و می‌گفتند که می‌توانم در یک دانشگاه خوب قبول شوم ایشان از من می‌خواستند که بهشون اعتماد کنم و با برنامه پیش بروم. من هم همین کار را کردم و بالاخره هم موفق شدم. شما کنکوری‌های عزیز هم باید بدانید که هیچ وقت برای تلاش کردن دیر نیست و قبولی در رشته و دانشگاه مورد علاقه‌تان کار سختی نبوده و با کمی تلاش و برنامه‌ریزی درست (همان چیزی که باعث شد من موفق بشوم) حتماً موفق می‌شوید.

بالاخره نتایج آمد رتبه‌ام ۱۱۰۰ منطقه ۳ و ۶۵۸۹ کشوری شد. فکر کردم همه چیز خراب شده است. اما از آنجا که همیشه در ناامیدی بسی امید است، برای انتخاب رشته به دفتر استاد احمدی رفتم و انتخاب رشته را زیر نظر مستقیم استاد احمدی انجام دادم زیرا کار حساس شده بود و باید حتما قبول می‌شدم. همه اطرافیان می‌گفتند با این رتبه قبول نمی‌شوی، اما روز اعلام نتایج در اوج ناباوری وقتی نتایج کنکور را از طریق سایت سازمان سنجش دیدم به لطف خداوند داروسازی شهید بهشتی قبول شده بودم و همان‌جا خدا را شکر کردم. در انتها از تمام اساتیدم مخصوصاً استاد احمدی و مهندس امیر مسعودی و مشاور خوبم آقای سلام تشکر می‌کنم. بچه‌ها، من در ابتدا موفق نبودم شاید به خاطر این بود که منابع آموزشی خوبی نداشتم و هر وقت برنامه‌ریزی می‌کردم اجرا نمی‌کردم. بنابراین، هر روز ناامیدتر می‌شدم و فکر می‌کردم به آن چیزی که می‌خواهم نمی‌رسم، ولی دی‌وی‌دی‌های استاد احمدی، درس خواندن مرا متحول کرد. من یاد گرفتم «خود مشاور» شوم و این چیزی است که استاد حسین احمدی به شما می‌آموزد، در مورد DVDها باید بگویم در درس ادبیات، تدریس استاد احمدی و فیزیک مهندس مسعودی مافوق حرفه‌ای بودند و مرا به اوج رساندند. باید بگویم موفقیت در کنکور به پول خرج کردن نیست همان‌طور که گفتم استاد احمدی به صورت رایگان برای من انتخاب رشته کرد و با یک انتخاب رشته‌ی افسانه‌ای بنده را به داروسازی شهید بهشتی رسانید.

با آرزوی موفقیت همگی شما عزیزان.

ارتباط مستقیم: ۰۲۱–۶۶۴۰۹۰۹۰ – ۰۹۱۲۱۰۰۹۶۴۰ – ۰۹۱۲۱۹۶۵۷۵۱

سامانه پیام کوتاه: ۰۹۱۲۱۰۰۹۶۵۶ ارتباط با استاد احمدی: ۰۹۱۲۱۹۶۵۷۰۲